



این افراد به پیشنهاد هیأت مدیره و تصویب مجمع عمومی به‌عنوان اعضای شورای عالی خانه موسیقی برای یک دوره انتخاب می‌شوند. (به نقل از اساننامه خانه موسیقی) در بند ۴ از ماده ۲۳ اساننامه خانه موسیقی آمده است:«هیئت‌غیرموجه سه جلسه متوالی، فوت یا بیماری صعب‌العلاج و سفر بیش از شش‌ماه هر یک از اعضا در حکم استعفا تلقی گردیده و یکی از اعضا علی‌البدل به تشخیص رئیس شورا جانشین او خواهد شد.»

شاید اعضای هیأت مدیره خانه موسیقی و به‌خصوص مدیرعامل این نهاد که در خرج کردن یک‌کسبه استاد شجریان ید طولایی دارد، بگویند استاد به بیماری صعب‌العلاج دچار نیستند، اما طبیعی است که ملاک تشخیص در این زمینه ایشان نیستند بلکه پزشک معالج یا کسی است که اطلاعات دقیقی از وضعیت بیماری استاد دارند.

آقای قاضی‌زاده هاشمی (وزیر بهداشت و از پزشکان برجسته کشور) در مصاحبه‌ای تلویزیونی که در تاریخ سوم خرداد ماه امسال (۱۳۹۶) انجام دادند(اشاره کردند که: «ایشان(استاد شجریان) گرفتار بیماری‌ای هستند که صعب‌العلاج است و عوارض جدی داشته تا الان …»

اما جدای از تمامی این موارد اگر در مدیرعامل خانه موسیقی یا آقای محمد سریر به‌عنوان یکی از اعضای شورای‌عالی یا آقای داود گنج‌های و یا داریوش پیرنیکان (دیگر عضو شورای‌عالی که در زمره افراد دائم‌الحضور در خانه موسیقی شمرده می‌شوند) قدری حمیت صغفی وجود داشت، حداقل از همایون شجریان به‌عنوان فرزند استاد تقاضا می‌کردند که دستخطی یا حتی پیمای شفاهی‌ای پدر بزرگوارشان به این جشن می‌دادند تا این همه جمعیت مشتاق با دیدگاه صغفی استاد نیز آشنا شوند و علاوه بر آن خبری تازه هم از وضعیت جسمی ایشان در آن جمع ستور می‌شد که از قرار آن هم به طاق نسیان کوبیده شد.

از طرف دیگر خود آقای نوربخش هم در این جشن و در دادن عنوان ریاست عالی به استاد شجریان خلاف اساننامه، رفتار کردند، چرا که شورای عالی بعد از معرفی سه مجمع و انتخاب بتواند رئیس در تازه را معرفی کند درحالی‌که در بند سوم از ماده ۲۳ اساننامه تصریح شده است.

«شورای عالی خانه موسیقی در نخستین نشست از بین خود نسبت به انتخاب رئیس، نایب‌رئیس، سخنگو، دبیر و دونفر عضو علی‌البدل اقدام می‌نماید.»

با توجه به اینکه شورای عالی در یک‌سال گذشته هیچ جلسه‌ای نداشته است احتمالاً این بند از اساننامه (بند ۴ ماده ۱۷) که به «بر سر مجمع عمومی شورای عالی موسیقی» از طرف مجمع عمومی اشاره دارد و در زمره و وظایف مجمع عمومی است نیز به طاق نسیان کوبیده شده است و احتمالاً بازرس دائمی خانه موسیقی نیز در

نشست ۴مردادماه مجمع عمومی سالانه خانه موسیقی(سال ۱۳۹۶)گزارشی از عملکرد شورای عالی ارائه نکرد و توضیح و تذکری هم نداد که چرا شوروی عالی خانه موسیقی در یک سال گذشته هیچ جلسه‌ای بر گزار نکرد و هیأت مدیره نیز در این مجمع هیچ پیشنهادی نسبت به تغییر اعضای شورای عالی ارائه نداد در حالی‌که در بند ۲۸ از ماده ۲۰ اساننامه «ارائه پیشنهاد تغییر در اعضای شورای عالی یا انحلال آن به مجمع عمومی» از وظایف هیأت مدیره دانسته شده است.

تمامی این موارد را آوردیم تا به مانند گذشته بر این نظرم پای فصارم که تیم کنونی مستقر در خانه موسیقی بیش از اینکه دغدغه‌های صغفی داشته باشند، دغدغه‌های شخصی دارند و همه‌گاه منافع جمعی (تعهد و التزام به اساننامه خانه موسیقی) را بر منافع فردی (در اینجا بهره‌بردن از نام و جایگاه استاد شجریان برای سرپوش نهادن بر بی‌تحرکی و رفتارهای غیر صغفی خود) ترجیح داده‌اند.

نتیجه: نگارنده به صفت سمتمی که در خانه موسیقی داشت (بازرس دو دوره خانه موسیقی و ریاست کانون پژوهشگران در یک دوره) و اشرافی که به اساننامه این نهاد صغفی داشته دارد و همه گاه از سوی دوستان مورد پرسش قرار می‌گیرد و در از آن مهم‌تر علاقه و انگیزه‌ای که به کار صغفی در حوزه فرهنگ و تبارشناسی و تاریخ آن در ایران دارد، این یادداشت را نوشتم تا در تاریخ بماند و ماهیت غیر صغفی برخی افرادی را بر ملا کند که به ناحق از جایگاه و نام استاد برای جانداختن کارهای غیرقانونی خود بهره می‌برند و امیدوارم و همچنان که در نوشته پیشین(سه‌شنبه هفته گذشته) آوردیم، اینگونه رفتارهای غیرقانونی مدیرعامل و برخی از اعضای خانه موسیقی مورد توجه مسئولان قرار گیرد و نسبت به حل آن اقدامات قانونی انجام دهند و آنان حداقل بداندند که منتقدان خانه موسیقی هیچ‌گونه دشمنی با این جماعت ندارند و اگر نقدی می‌کنند از منظر بی‌اعتنایی آنها به قانون و اساننامه است و آنها حداقل همانند اعضای هیأت مدیره خانه موسیقی یا اعضای مجمع و بازرس این نهاد آن را به‌بوته فراموشی نسپرند.

بر چنین بنیادی، طبیعی است که همانند تمامی ایرانیان نگران وضعیت بیماری استادم و برای سلامتی ایشان دعا می‌کنم. اما این چند جمله را به‌عنوان یک روزنامه‌نگار و علاقه‌مند به کار صغفی همه‌گاه پیش چشم داشته‌ام و دارم که ازسطرودریاره نسبت حقیقت و استادش افلاطون گفت که:«اگر افلاطون عزیز است، حقیقت عزیز تر از افلاطون است.» یا این توصیه اخلاقی از استاد مصطفی ملکیان که به گمانم راهنمای خوبی برای ما روزنامه‌نگاران در بزنگاه‌های این‌گونه است که فرموده بودند «کار روشنفکر و روزنامه‌نگار تحریر حقیقت و تقلیل مرارت است اما اگر امر بر اختیار بین یکی از این دو باشد، فرد روشنفکر یا روزنامه‌نگار باید تحریر حقیقت را بر تقلیل مرارت ترجیح دهد».

بالا‌ترین مرجع تخصصی و فنی خانه موسیقی، متشکل از هفت نفر از موسیقی‌دانان برجسته، متعهد، خوش‌نام و فعال در عرصه موسیقی و در زمینه‌های مختلف موسیقی است که حداقل ۳۰ سال سابقه فعالیت هنری در کشور داشته‌اند و عضو خانه موسیقی هستند.

استفاده از نام استاد شجریان بلامانع است

مانی جعفرزاده

منتقد موسیقی

نکته‌ای که وجود دارد این است که به‌خودی‌خود استفاده کردن از سبای‌بلند یک هنرمند بزرگ به‌نظر من عیب‌نیست یعنی اول می‌خواهم درباره‌ی این نکته صحبت کنم که اگر به‌نظر من استفادهٔ بی‌نام و نشان از نام بزرگ استاد محمدرضا شجریان استفاده، نه‌سواستفاده می‌کند به‌منظرم اشکالی ندارد زیرا بخش وسیعی از موسیقی ایرانی بر پایه بلند این نام است و این یک اعتبار برای موسیقی این سرزمین است. من تصور می‌کنم می‌توانیم دیگر مفاخرمان را هم حتی به شکل افتخاری در شورای عالی هر یک از موسیقی‌ها استفاده کنیم.

نکته دیگری این است که این شورا تشکیل جلسه نداده یا آنچه‌ها می‌مانند من هستند که به‌خودی‌خود با وضعیت فعلی خانه موسیقی مشکل دارند و به آن نقد دارند، اینها

موضوع ثانوی می‌شود که می‌شود ذیل آن موضوع در رابطه‌اش صحبت کرد، یعنی ما می‌پذیریم که ما به‌خانه موسیقی نقدی داریم، این نقدها یا در جاهایی درست است یا غلط که می‌توان اینها را به نقد گذاشت، من معتقد نیستم که هر چه نقد می‌کنم نقد من درست است یا مثلأ

هر چه می‌گویم باید لحاظ شود، نه ممکن است من هم اشتباهاتی داشته باشم، اما نکته‌ای که به‌وجود می‌آید این است که با فرض اینکه سازمان یا نهادی وجود دارد که بر این نقدهای زیادی هست، حالا استفاده کردن از نام بزرگان نه فقط یک نفر نام هر کسی در شورایی که تشکیل جلسه نمی‌دهد یا اگر هم می‌دهد شورای کارایی نیست یا منتقدانی به شکل کارآیی او انتقاد دارند چقدر خرد کردن آن نام مفاخر است بابت آن چیزی که به‌ب نظر من در کار آمدنی ست. به نظر می‌رسد که ما در اینجا باید بتوانیم یکی، دو چیز از هم جدا کنیم. نکته اول اینکه ما هر نقدی که در خانه موسیقی داریم باید پارچا باشد و کسانی نام پاسخگو باشند، این پاسخگویی نمی‌تواند پشت هیچ نام بزرگی بپوشان شود، یعنی اینکه اصلانه آقای شجریان بلکه

بتهوون یا موتزارت را باوریم و بگوییم که این‌نام‌ها در کنار ما هستند و لذا نقدی بر ما نیست یا نمی‌تواند باشد. به نظر من این اشکال است اگر که کسانی در خانه موسیقی به چنین نیتی این‌نام‌ها برده باشند، یعنی الان یک نقدی نسومی به وجود می‌آید؛ بکم استفاده از نام‌ها، دوم نقدی که بر خانه موسیقی وجود دارد و سوم این پرسش که آیا کسانی که در خانه موسیقی هستند، دارند از این نام‌های ایرانی موضوع استفاده می‌کنند که نقدی به آنهاشود یا نشود. این موضوع را باید در حوزه جوانمردی و شرافت بررسی کرد و واقعاً شرافتمندانه بگوید که آیا اعضای خانه موسیقی از این‌نام‌ها استفاده می‌کنند تا کسی آنها را نقد نکند. چون به‌حال نقدها وجود دارد و همچنان این مسئله وجود دارد که این نقدها به‌نظر من پاسخ‌ داده نشده است. اما تصور من این نیست که در این سخنرانی‌های اخیر کسانی که در خانه موسیقی هستند، دارند پشت این نام‌ها پنهان می‌شوند تا نقدها را انکار کنند یا چیزی از این دست. من چنین احساسی نداشته‌ام و چنین برداشتی نکرده‌ام. شما چنین برداشتی کردید حتماً به نظر من این کار غلط است

یادداشت ۲

و این کسب کردن از نام بزرگان است. اما، از سوی دیگر اگر آن نقدها و دعواها سر جایش است و حالا مدیرعامل خانه موسیقی یا هر کس دیگری از بزرگی یاد می‌کند به‌عنوان شخصی که افتخاری در نهادی عضو است یا افتخاری در نهادی ریاست دارد، به‌نظرم این به‌خودی‌خود اشکالی ندارد و همه‌جای دنیا هنرمندان بزرگشان، ریاست‌های افتخاری کنسرواتوارها را دارند، ریاست‌های افتخاری نهادهای مدنی هنری را دارند و سندیکارها را دارند و این به‌خودی‌خود اصلاً بد نیست، اعتبار ماست و هیچ اشکالی هم ندارد. تمرکز بر اساننامه موضوع قانونی است، الان اساننامه و این‌نام‌ها بنا بر آنچه من مطلع هستم، به کرات از سوی هیأت‌مدیره، مدیرعامل و تمام کسانی که در آنجا ذی‌نفع هستند و من روی لغت ذی‌نفع تأکید دارم فقط افراد آن می‌شود یا به‌نحوی زیر پا گذاشته می‌شود و تخطی از این‌نامه بسیار زیاد است. در نتیجه این تخطی که بگوییم یک شخص مهمی در فرهنگ ما وجود دارد که حضور او در شورا می‌تواند افتخار باشد و در عین حال این نام‌ها در حال حاضر یکی از موارد دیگر نزد این‌نامه یا اساننامه

یادداشت ۱

تکلیف حضور شجریان را شورای عالی مشخص می‌کند

حمیدرضا نوربخش

مدیرعامل خانه موسیقی

شورای عالی خانه موسیقی باید درباره حضور و یا عدم حضور آقای محمدرضا شجریان اظهارنظر کند. این شورا قرار است جلسه‌ای بگذارد و در این زمینه تصمیم بگیرد. بعد از تصمیم‌گیری شورا یا من اعلام می‌کنم یا آقای پیرنیکان سخن‌گوشورا. اعضای شورای عالی خانه موسیقی را هیات مدیره مشخص نمی‌کند بلکه تعدادی از اسامی را انتخاب و به مجمع عمومی می‌دهند و با رای آنها این اعضا

استفاده اِزاری خانه موسیقی از نام شجریان

علی قصصری

نوازنده تار

چند سالی است که خانه موسیقی از اسم استاد محمدرضا شجریان استفاده اِسازی می‌کند. درست است که احترام به ایشان واجب است و همه‌ما هم آرزوی سلامتی برای ایشان داریم ولی اینکه استفاده اِزاری حتی با شکلی که در هر جشنی صدای سوت و کف مردم را با آوردن اسم استاد بلند کنیم و بر خلاف اساننامه حرکت کنیم و عنوانی را در جهت تأشیت دادن به کارهای اشتباه

یادداشت ۳

حضور شجریان در شورا استثناست

داود گنج‌های

نوازنده کمانچه و عضو شورای عالی خانه موسیقی

ما اعضای شورا بر اساس اینکه آقای شجریان یکی از خادمین این کشور و یکی از هنرمندان منحصرفرد هستند و این روزها دچار عارضه بیماری شده‌اند،تأفقی رای دادیم که ریاست‌شورا با آقای شجریان باشد. ولی شورا کار خودش را انجام می‌دهد،با ایشان هم صحبت ومشورت می‌شود،و اگر مسئله‌ای باشد با او در میان می‌گذاریم. در شرایط فعلی که مسا به حضور فیزیکی آقای شجریان احتیاجی نداریم بلکه حضور معنوی ایشان را می‌خواهیم که خوشحالته هست و بیشتر به لحاظ احترام ووجه انسانی این کار صورت گرفته‌است. این شورا همه اعضایش از نوازنده‌های حرفه‌ای هستند که همگی دارای درجه هنری و سابقه‌ای بیش از ۳۰ سال در اعلام می‌کنم هر کدام از هنرمندان می‌توان گفت همه مثل آقای شجریان هستند.

آنهاهی که می‌گویند حضور این هنرمند برجسته موسیقی کشورمان با اساننامه مغایر است کاملاً درست می‌گویند. ما هم خودمان این موضوع را

است به‌خودی‌خود مشکل جدیدی نیست و بخشی از آن از همه مشکلاتی است که تاکنون وجود داشته است، من تصور می‌کنم اگر بخواهد این مشکل کوچک را در کنار مشکل‌های بزرگ دیگر رفع بکند یکی از راه‌های ساده این است که استاد محمدرضا شجریان را مثلاً به‌عنوان رئیس افتخاری خانه موسیقی یا رئیس عالی افتخاری یا هر چیز دیگری که عنوان افتخاری را داشته باشد قرار دهند و سپس شورا بر اساس آیین‌نامه و اساننامه با جلساتی که باید داشته‌باشند و ظاهراً طی چندماه گذشته ندارند، اداره بکنند. هم‌اکنون صدها مشکل وجود دارد و ما مشکلات متعدد خانه موسیقی را داریم که اکنون تسری پیدا کرده، مانند یک بیماری به جشنواره موسیقی فجر تسری پیدا کرده و جشنواره فجر هم مشکلات متعدد آیین‌نامه‌ای دارد. ما هنوز از این آیین‌نامه‌ای که گفته می‌شود که بناسط جشنواره فجر بر اساس آن بر گزار شود که چند روز آینده هم مقدمات جشنواره آغاز می‌شود هنوز آیین‌نامه و آیین‌نامه‌های افتخاری وجود دارد حالا یکی از آنها این است که نام بزرگان هم در جاهایی خرج می‌شود

فرهنگ

ایمانی خوشخو: هر جا سیاست با هنر همراه شد، هنر لطمه خورد

رئیس کمیسیون هنر و معماری شورای عالی انقلاب فرهنگی معتقد است که تثبیت مدیران ودبیران جشنواره‌های هنری فرج‌باعث می‌شود، اختلاس سلیقه‌ها در روند جشنواره‌ها کم شود. به گزارش ایسنا، جلسه کمیسیون هنر و معماری شورای عالی انقلاب فرهنگی با بررسی جشنواره‌های بین‌المللی تئاتر، موسیقی،هنرهای تجسمی فجر شنبه دوم دی‌ماه‌فر گزار شد. در این جلسه که معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی حضور داشت، دبیران جشنواره‌های بین‌المللی تئاتر، موسیقی و هنرهای تجسمی فجر گزارشی از جشنواره‌هایبان کردند. محمدحسین ایمانی خوشخو، رئیس کمیسیون هنر و معماری شورای عالی انقلاب فرهنگی، در این جلسه گفت: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت هنری این وزارتخانه در همکاری نزدیک می‌تواند از ظرفیت شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان عالی‌ترین نهاد سیاستگذاری فرهنگی و آموزشی برای سیاستگذاری موضوعات هنر استفاده کندو کمیسیون هنر و معماری شورا نیز آماده تعامل و همکاری با معاونت هنری است.

رئیس کمیسیون هنر و معماری شورای عالی انقلاب فرهنگی با تأکید بر اهمیت هنر، گفت: مسائلفناهنر در دستگاه‌های تصمیم‌گیری می‌تواند نقش تأمین‌معیشت مردم ونگرش حمایت‌از هنر فاصله‌زیادی وجود دارد و هر چند تأمین معیشت مردم ضرورت واولویت دار اما به‌حمایت‌از هنر نیز که با روح مردم سرو کار دارد باید توجه کرد و نتایج



علی‌البدل جای ایشان می‌آید و کلاچه اتفاقی می‌افتد. به‌طور کلی با تصمیم‌گیری شورا و جلسه نهایی، این عزیزان موضوع را باید با استاد در میان بگذارند و بر این اساس و با توجه به وضعیت ایشان، شورا باید تصمیم بگیرد که آیا استاد عضو افتخاری شورای عالی خانه موسیقی می‌شوند و عضو

یادداشت ۲

و غیرقانونی وسته شدن دهان منتقدان ومخالفان به کار ببریم، بر خلاف وجدان است و فقط می‌تواند جهت فریب‌دادن مردم باشد.دوستان خانه موسیقی جمعیت گسرا هستند و تفکرات احمدی‌نژادی دارند و صرفاً می‌خواهند اکثریت را از نظر ذهنی، شست‌وشوی مغزی دهند و به هر ریسمانی چنگ می‌زنند تا این کار را انجام دهند.جشنواره فجر هم امسال همانند دوره گذشته از سوی این خانه برگزار می‌شود بدون اینکه اساننامه بر گزار این جشنواره را ارائه‌وبه انتقادات پاسخ دهند.اهالی خانه موسیقی صرفاً با نظام خودمحموری و دیکتاتور آمایی

یادداشت ۳



جلو می‌روند. ممکن است برخی اهالی موسیقی نیز به‌منظور عدم امنیت شغلی در مقابل چنین عملکردی سکوت می‌کنند ولی امثال مثل من این کار را نکرده و نمی‌کنیم و در مقابل این رفتارها و برخوردهای غیرقانونی خانه موسیقی می‌ایستیم و انتقاد می‌کنیم.

می‌دانیم ولی نبودن فیزیکی ایشان هیچ خدش‌های در کار شورا و در روند حرکت خانه موسیقی تأثیری ندارد چون ایشان هم اگر بود یک رای بیشتر نداشت در صورتی که اعضاهفت نفر هستند و اگر مسئله مهمی پیش بیاید اکثریت رای می‌دهد و مخالفت یک نفر تأثیر گذار نیست. در شرایط کنونی این مسئله‌ای نیست که بخواهیم به آن دامن بزنیم هر چند که انتقادات دوستان، همکاران و همه موسیقی‌دانان را به دیده منت می‌خریم و درست‌ست هم هست چه در این خصوص و چه در مورد دیگر اقدامات و عملکرد خانه. البته بهتر است صحبت‌های دوستان ما را در خانه موسیقی بشنوند چرا که ما در خانه حقوق و مزایا نداریم بلکه خدمت ما خدایی است. ما که سیاسی نیستیم که دروغ بگوییم من به شخصه همه چیز را راست می‌گویم و اعلام می‌کنم هر کدام از هنرمندان دل‌شان خواست بیایند جای ما رای بیاورند. رای هم نمی‌خواهد من جای خودم را به آنها نمی‌دهم و خیالم راحت می‌شود.مسئله حضور آقای شجریان در شورای عالی و ریاست ایشان یک موضوع



و هزار چیز دیگر هم خرج می‌شود. تصور من این است که این مشکل به‌سادگی با کیاستی خاص قابل رفع است به این معنا که حداقل من به‌عنوان عضوی کوچکی از جامعه موسیقی بسیار افتخار می‌کنم که استاد محمدرضا شجریان رئیس شورای عالی خانه موسیقی باشند، و لولاینکه پنج‌سال هم بگذرد که ایشان در شورا حضور نداشته باشند، مشروط به اینکه مشکل آیین‌نامه‌ای و اساننامه‌ای رفع بشود و مثلاً ایشان را به‌عنوان رئیس افتخاری در آنجاقرار بدهند و مانتقذ قانون نداشته باشیم. بعد سر نقدها و دعواهایمان برویم و مشکلات دیگر را حل کنیم.

آن سوی صر

در گذشت خالق باگزبانی و تام‌وجری



«باب‌گیونز» خالق انیمیشن معروف «باگزبانی» و تصویر گر «تام‌وجری»، «دافی‌داک» و «سفیدبرفی هالیوود ریپورتر وی، وی که از چهره‌های کلیدی صنعت انیمیشن‌سازی محسوب می‌شد، در طول دوران ۶۰سال فعالیت حرفه‌ای خود با کمپانی‌هایی چون والت‌دیزنی و برادران وارنر همکاری داشت.

خبر درگذشت «باب‌گیونز» را دخترش، مارلانا ۱۰ روز پس از مرگش به رسانه‌ها اعلام کرده و گفته پدرش به سبب بیماری ریوی و نارساییی حاد تنفسی در سن ۹۹ سالگی در کالیفرنیا درگذشته است. وی در سال ۱۹۳۷ به عنوان بررستی‌کننده کارت‌ونش «دونالد‌داک» و «سفیدبرفی و هفت کوتوله» با کمپان دیزنی همکاری خود را آغاز کرد و در سال ۱۹۴۰ به کمپانی برادران وارنر رفت و به‌ویژه برای خلق شخصیت کارتونی «باگزبانی» و به شهرت رسید.

«گیونز» در خلق شخصیت‌های کار تونی دیگری چون «تام‌وجری» و «گارفیلد و دوستان» نیز نقش داشته که هر کدام از موفق‌ترین انیمیشن‌های مطرح دنیا به‌حساب می‌آیند.